

مبارزه دون کیشوت وار با علوم انسانی جدید

از «حیات علمی» تا «مسأله روش»

دکتر بیژن عبدالکریمی



می توان مدعی شد بیشترین حجم تولید معتقدان به علوم انسانی اسلامی به نقد مبانی تئوریک و به خصوص «روشی» علوم انسانی غربی است اما مقاله دکتر بیژن عبدالکریمی ضمن آن که این نقدها را نفی نمی کند، تمرکز بحث را بر این می گذارد که بدون درک درستی از حیات و عقلانیت علمی عصر جدید، نخواهیم توانست توفیق مهمی در تولید علوم انسانی اسلامی داشته باشیم. وی در این مقاله؛ توجه به روش آگاهی و تکیه بر متدولوژی که از مهم ترین بنیادهای علم غربی است را ضروری می داند و تصریح می کند: «علم تجربی حاصل ارزش های مانیست؛ زیرا واقعیات در برابر فرضیات مابقی تفاوت نیست».

ما در سنت تاریخی خود، علوم انسانی در معنا و مفهوم جدید آن نداشته ایم.

عقلانیت علمی به طور کلی و علوم انسانی جدید،

به منزله بخشی از عقلانیت علمی، به هیچ وجه در سنت تاریخی ما شکل نگرفته است و ما با عقلانیت علمی و علوم انسانی تجربی جدید تا حدود بسیار زیادی بیگانه ایم. به همین دلیل است که شاهد ظهور تئوری ها و پژوهش های اصیل علمی در دیار خویش نیستیم. مهم ترین عامل و بنیادی ترین دلیل تاریخی، عدم ظهور عقلانیت علمی و عدم تکوین علوم انسانی در معنای جدید در ایران را باید رشد نیافتگی و به تمامیت نرسیدن عقلانیت متافیزیکی در سنت تفکر اسلامی دانست. علم جدید تنها در سنت تاریخی متافیزیکی یونانی ظهور کرده است و در هیچ یک از سنت های نظری تاریخی دیگر، از جمله در سنت نظری تاریخی خود ما، علم به معنا و مفهومی که در غرب ظهور پیدا کرده، شکل نگرفته است. البته در میان اقوام و سنت های تاریخی دیگر، مثل چینیان، مصری ها و هندی ها و سنت های نظری و تاریخی آنان، علوم به معانی دیگری وجود داشته اند؛ اما علم به مفهومی که ما از «علم تجربی جدید» و رابطه خاصی که میان انسان یا سوژه مدرن با جهان به منزله ابژه شکل گرفت و اینکه انسان توانست طبیعت را به منزله ابژه عقل و اراده خود فهم کند، در میان هیچ یک از آن اقوام و فرهنگ ها و تمدن های آنان وجود نداشته است. کانت برای توصیف سرشت علم مدرن در کتاب «نقد عقل محض» می گوید: تا قبل از ظهور علم جدید، بشر مانند کودکی بود که تاتی تاتی می کرد و ریسمان هدایتش را طبیعت به دست گرفته بود؛ اما بشر دوره جدید، دیگر نه همچون یک کودک، بلکه در مقام قاضی یا دادستانی است که گوی طبیعت را می فشارد و از آن، پاسخ پرسش های

خودش را می طلبد. چنین تحولی؛ یعنی ابژه کردن طبیعت، انسان و جامعه و پژوهش تجربی درباره آن ها بر اساس طرح های از پیش تعیین شده، صرفاً در علم جدید و با علم جدید غربی و نه در هیچ یک از فرهنگ ها و تمدن های غیر غربی شکل گرفت؛ لذا، در سنت تاریخی ما نیز، همچون همه سنت های تاریخی غیر غربی، علوم جدید به طور کلی و علوم انسانی در معنا و مفهوم جدید آن وجود نداشته است. این سخن به این معنا نیست که ما هیچ گونه شناختی از جهان، طبیعت و انسان نداشته ایم و فرضاً فاقد طبیعیات یا علم النفس یا شیوه های دیگری از شناخت جهان و انسان بوده ایم یا دستاوردهای حکمی و عرفانی و دینی ما بی ارزش بوده است. همه سخن در این است که این شیوه های شناسایی، به طور کلی، با علوم جدید و علوم انسانی جدید، به اعتبار مفروضات متافیزیکی و نیز روش های شان از اساس متفاوت بوده اند.

ما درک درستی از حیات و عقلانیت علمی در

همه حوزه ها، از جمله در حوزه علوم انسانی نداریم.

نمی توان مشکل مجامع شبه علمی کشورمان را در فقدان برخورداری از حیات علمی واقعی، صرفاً محدود به «مسأله روش» و ناآشنایی یا کاربرد نداشتن روش های دقیق علمی دانست. البته بی توجهی به مسأله روش، به خصوص در حوزه علوم انسانی، خود مسئله ای است؛ اما به گمان بنده، موضوع بنیادی تر از صرف مسأله روش و متدولوژی است. اگر ما تمام سرمایه های ذهنی، مادی و معنوی خود را نیز مصروف آشنایی و آموزش روش ها و متدولوژی های علمی بکنیم، کماکان حیات علمی، به آن معنا و مفهومی که در غرب وجود دارد، در جامعه کنونی ما شکل نخواهد گرفت. ما به روش های علمی التفات نداریم؛ زیرا درک درستی از حیات و عقلانیت علمی در همه حوزه ها، از جمله در حوزه علوم انسانی نداریم. ما به روش ها و متدولوژی های جدید، کم توجه یا اساساً بی توجه ایم؛ چراکه اصولاً خود علم جدید را در همه عرصه ها، از جمله در حوزه علوم انسانی جدی نمی گیریم. «مسأله روش» صرفاً یک مقوله از مقولات گوناگون «حیات علمی» است؛ اما در برگیرنده همه عناصر قوام بخش آن نیست.

به هیچ وجه نباید این سخنان و تأکید بر تفاوت های بنیادین علوم جدید از دیگر نظام های علمی در دیگر سنت های تاریخی را در سیاقی سیاست پستی و پوزیتیویستی، یعنی به معنای دفاع مطلق از علم جدید و بی پایه و اساس تلقی کردن هر گونه معرفتی که با الگوها و چارچوب های علوم تجربی جدید سازگار نیست، درک کرد و نیز نباید از این سخنان نوعی